

مطالعه؛ چرا و چگونه؟

**اهمیت مطالعه و راه‌های تشویق به آن
کتابی کوچک اما بزرگ و پرمحتوا**

به اهتمام:
قباد کاکاخانی



سنی بوک – کتابخانہ مجازی اہل سنت

www.SunniBook.net

* ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عَلِمَّا أَمَّاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾﴾

«زمانی که (به پای حساب سوق داده می‌شوند و در آنجا حاضر) می‌آیند (خداوند توبیخ کنان به آنها) می‌گوید: آیا آیات مرا تکذیب کرده‌اید، بدون آنکه (تحقیق و مطالعه نموده و) کاملاً از آن آگاهی پیدا کرده باشید؟! اصلاً (شما در دنیا) چه کار می‌کرده‌اید؟ (مگر بیهوده آفریده شده بودید؟).

«سوره نمل آیه 84»

* شعار روز جهانی کتاب: دنیا از آن کسانی است که مطالعه می‌کنند.

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

پیشگفتار	3
چرا مطالعه؟	4
کتاب بهترین دوست	10
اهمیت خواندن و مطالعه	13
مطالعه بهترین سرگرمی	15
نگران فراموش کردن مطالب خوانده شده، نباشید!	17
مطالعه همراه با تفکر	19
چگونه خود و فرزندانمان را به مطالعه و خواندن علاقه مند کنیم؟	21
اهمیت خواندن کتاب برای نوزادان	29
تشویق به مطالعه در مدرسه	31
عوامل مؤثر در کاهش سطح مطالعه و کتابخوانی	32
1- عدم آگاهی از اهمیت مطالعه در پیشرفت روحی و اجتماعی افراد	32
2- ضعف فرهنگ اطلاع رسانی و عدم توجه به کتاب به عنوان یک کالای فرهنگی	32
3- نارسایی های سیستم آموزش در مهم جلوه دادن کتاب های درسی و جلوگیری از	32
مطالعه متون غیر درسی و آزاد	32
4- عدم حمایت فرهنگیان و نویسندگان	33

34	5- رسانه‌های پرسر و صدا.....
34	6- کتاب‌های غریبه.....
35	7- میراث بد کتاب‌نخواندن.....
35	8- جای خالی کتاب.....
35	9- گرانی و دغدغه معاش.....
36	10- کتاب‌های تقلیدی و تکراری و نداشتن حرف تازه.....
36	11- خانه‌های امروز.....
37	12- تنبلی خودمان.....
38	پیشنهادهات
40	سخنان بزرگان
42	کتابنامه

پیشگفتار

تعطیلات تابستانی است، اما جوانان و نوجوانانی که از کتاب برای غنی‌سازی اوقات فراغت بهره می‌برند، خیلی کم هستند. و من به عنوان یک کتابفروش به شدت به این موضوع اعتراض دارم و اصلاً به آن راضی نمی‌باشم. دست به قلم‌بردن و پرداختن این سطور پاسخی به این مهم است.

و خدا را بر این قلم و آنچه می‌نویسد شاهد می‌گیرم که از سر دلسوزی نوشته‌ام و هیچگونه انگیزه مادی و یا بیان فضل نداشته‌ام. درست به همین دلیل از خواننده گرامی نیز درخواست دارم که توجه کافی و وافی را به این نوشته داشته باشد و دلسوزانه آن را به دیگران نیز برساند که زکات علم و کتابت، نشر و توزیع آن است. از پروردگار هستی امید آن دارم که این کتاب کوچک را دروازه ورود به دنیای کتاب‌های بزرگ و آشنایی با اندیشه‌های آسمانی و انسان ساز قرار دهد. آمین

قباد کاکاخانی

E.mail: dosti1359@yahoo.com
Weblog: <http://tahaketab.blogfa.com>

چرا مطالعه؟

کتاب و مطالعه از جمله موضوعاتی است که پیشینه آن به قدمت آفرینش انسان است و هیچگاه انسان از آن بی‌نیاز نبوده است. کتاب انبار علم و اندیشه بشر بوده و خواهد بود، و اقوام انسانی نیازمند استفاده از تجربیات و اندوخته‌های یکدیگرند. آدمی از راه کتاب و مطالعه با بهترین انسان‌ها دیدار و گفتگو می‌کند و از هم کلام‌شدن با آن‌ها بهره‌ها می‌برد و در دریای اندیشه‌های بزرگ مرواریدهای رخشان صید می‌کند. با عالمان، ادیبان، دانشمندان، سیاستمداران، نویسندگان، پژوهشگران و بزرگان در فنون مختلف روبرو می‌نشیند و از تجارب، نصایح و سخنان حکیمانه‌شان فایده‌ها می‌برد. از این روست که آورده‌اند: «مطالعه مکالمه با نجیب‌ترین اشخاص قرون است.»

می‌رود از سینه‌ها در سینه‌ها از ره پنهان صلاح و کینه‌ها
صحبت صالح تو را صالح کند صحبت فاسق تو را فاسق کند
آری، کتاب عصاره اندیشه‌هاست. کتاب فواره تجربه‌هاست. کتاب عرصه دیدار با بزرگان است. کتاب فرزند جاویدان انسان است. کتاب عامل پیشرفت است. کتاب عامل شناخت انسان‌ها و جوامع پیشرفته است. کتاب میدان عبرت‌آموزی است از سرنوشت خوبان و بدان.

ای باغ پر سخاوت اندیشه‌های ناب پنهان به برگ برگ تو اعجاز آفتاب
جان من و تو یک نفس از هم جدا مباد ای خوب جاودانه، ای دوست، ای کتاب
منتسیکو می‌گوید: «یک ساعت از عمر گذشته را به هیچ قیمتی نمی‌توان باز گرداند. اما با دادن چند قطعه پول ناچیز، می‌توان تمام عمر و تجارب بزرگترین عقلا و عالمان جهان را تصرف کرد. کتاب عمر دوباره است. در دنیا لذتی که با لذت مطالعه برابری کند،

نیست. من هیچ غمی نداشته‌ام که خواندن یک صفحه کتاب از بین نبرده باشد، مطالعه کتاب یعنی تبدیل ساعت‌های ملالت‌بار به ساعات لذت‌بخش».

لذت زندگی انسان با سلامتی و تندرستی بدست می‌آید و بالاترین درجه سلامت و تندرستی سلامت فکر و ذهن است. مطالعه همان اثری را در وجود آدمی می‌گذارد که ورزش در بدن ایجاد می‌کند. از این روست که آورده‌اند: «مرگ تدریجی انسان آغاز خواهد شد اگر مطالعه نکند».

آری! روی آوردن به مطالعه و تداوم و استمرار در آن از اهمیت بالایی برخوردار است و واجبی ضروری و فرمانی الهیست:

* ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ [العلق: 1]

«بخوان، به نام پروردگارت».

* ﴿رَبِّ الْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ [القلم: 1]

«سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند».

اقیانوس عظیم اندیشه‌های قرآن با کلمه و فرمان «إقرأ: بخوان» آغاز می‌گردد. بدین ترتیب نقطه‌ی آغاز رسالت و دعوت اسلامی بر مبنای خواندن و مطالعه شکل گرفت و این افتخار منحصرراً برای اسلام بوده است. به همین خاطر خداوند از میان تمامی امت‌ها، امت اسلامی را برگزید و رسالت ابلاغ دین خود را بر دوش این امت نهاد و توفیق پیامبرش در این راه، نه از طریق معجزات خارق العاده بلکه از راه یک ارتباط فکری و روحی با مردم بود.

قرآن بهترین الگو برای ترویج فرهنگ مطالعه است. از دیدگاه قرآن هیچ شب و روزی نباید بدون مطالعه بگذرد. آری، مطالعه بایستی همیشگی باشد و به یک کتاب و دو کتاب یا یک روز و یک ماه در سال اختصاص داده نشود. بلکه بایستی جزو برنامه شبانه‌روزی باشد:

* ﴿أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾ [المزمل: 4]

«هر شب آن مقدار که برایت مقدور است از قرآن مطالعه کن».

* ﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا﴾ [المزمل: 7]

«تا در مسیر تلاش سخت و پُرفشار روز تو را دستگیر باشد».

و رسول گرامیش شرط آزادی اسیران مشرک جنگ بدر را سوادآموزی به مسلمانان قرار می‌دهد نه گرفتن پول و مال. در هیچ جنگی در دنیا چنین شرطی دیده نشده است که هر اسیری ده مسلمان را سواد بیاموزد آزاد و رها می‌گردد. آری، سواد حتی در نزد اسیر مشرک هم محترم و دارای ارزش است تا جایی که می‌تواند جاننش را نجات دهد. آری! ای برادر و خواهرم، اسلام سواد و مطالعه را با مصالح کلی خود حتی در شرایط جنگی یکی می‌داند. چرا که ثمره‌ی علم بندگی خداست و پیامبر اسلام نیک می‌داند که انسان با سواد نه تنها بنده دیگران نمی‌شود، بلکه حتی بنده و برده نفسانیات نیز نخواهد شود.

به تاریخ اسلام نگاهی بیاندازید. مسلمانان دو قرن در تلاش برای معرفی عقیده اسلامی و ارزش‌های والای انسان ساز آن، به سایر ملت‌ها بودند. پس از تثبیت پایه‌های عقیده اسلامی، مسلمانان یکی پس از دیگری به فتح قله‌های علمی روی آوردند. در ابتدا مسلمانان به نوشتن و خواندن قرآن و پس از رحلت پیامبر p به نوشتن و خواندن احادیث نبوی و پس از آن، در قرن‌های بعدی، به جمع‌آوری و مطالعه‌ی سایر علوم پرداختند، تا این که در علم دنیا و معنویت سرور و آقای جهانیان شدند.

و بدین ترتیب، بزرگترین تمدن اسلامی و انسانی را بنا نهادند. که در علوم مادی و معنوی خدمات زیادی را به اجتماع بشری ارائه داد و اندیشمندان زیادی را به جهانیان معرفی کرد، تا آن جا که از شرق تا غرب جهان آن روز در سیطره‌ی دانش و علوم مسلمانان بود.

اعتراف و شهادت ویل دورانت تاریخدان بزرگ غرب، گواهی بر این مدعای ماست. که می‌گوید: «اگر مسلمانان نبودند اروپا به اینجا نمی‌رسید».

به این داستان توجه کنید: شارلمانی پادشاه بریتانیا در قرن هفتم وزیر یهودی خود را به قلمرو حکومت اسلامی می‌فرستد تا بداند دلیل این همه پیشرفت مسلمانان در آن دوران چیست. وزیر یهودی پس از بازگشت از سرزمین‌های اسلامی در پاسخ شارلمانی می‌گوید: مسلمانان از کوچک و بزرگ و زن و مرد را مشغول مطالعه و سوادآموزی دیدم. مکتب خانه‌ها پر بود و عالمان و دانشمندان را بسیار محترم می‌داشتند. شارلمانی دستور می‌دهد تمام مردم کشورش خواندن و نوشتن را آغاز کنند و خود نیز علی‌رغم گذشت هفتاد سال از عمرش، شروع به سوادآموزی می‌کند.

با این تاریخ درخشان و این همه ارزش، آیا انصاف است که پیروان این دین والا، امروز بخشی از عقب مانده ترین و کم مطالعه ترین جوامع بشری باشند؟ طوری که کتاب نمی‌خوانند و به جهل و نادانی رضایت داده‌اند. جدای از ضعف در آگاهی‌های دینی و سیاسی و قوانین شهروندی، حتی راه و رسم درست زندگی کردن را هم نمی‌دانند و دائماً در خانه و مدرسه و خیابان و محل کار در کشمکش و زد و بندند.

متأسفانه این امت با گذشت زمان حافظه‌ی تاریخی خود را از دست داد و با علم و مطالعه بیگانه شد و گنجینه‌ها و اندوخته‌های علمی دانشمندان گذشته خود را فراموش کرد، تا آن جا که به دلیل ضعف در مطالعه، سروری دنیا را از دست داد و آن را به دست کسانی سپرد که راه علم و مطالعه را به خوبی پیمودند.

امروزه در عصر انفجار اطلاعات و انتشارات و علم و تکنولوژی، میزان مطالعه‌ی مسلمانان براننده‌ی تمدن و رسالت آن‌ها نیست. دینی که آغازش با خواندن و مطالعه و افتخارش در سایه علم و مطالعه شکل گرفته، امروزه کارش به جایی رسیده که در قافله‌ی مطالعه در آخر خط ایستاده است و بهره‌ی آن از میراث خویش و اندوخته‌های علمی جهان اندک است.

تلاش اندیشمندان و متفکران دلسوز مسلمان نیز در نگارش کتاب و مقالات گوناگون در جهت دفاع از کیان اسلام و شناساندن چهره حقیقی اسلام، اگر با بی‌توجهی مردم به

مطالعه همراه باشد، تماماً به هدر خواهد رفت و فرهنگ و تمدن بیگانه پیش از پیش خود را بر جامعه‌ی اسلامی تحمیل می‌کند. جامعه پیشرو علاوه بر اینکه نیازمند نویسندگان توانمند و اندیشمند است، نیازمند خوانندگان متفکر نیز می‌باشد.

بیایید از تاریخ پند بگیریم و خود را مسئول احساس کنیم و بجای گرم نگه داشتن بازار مهلک دشمن، بازار آینده خویش را گرم و فروزان سازیم؟ چرا بجای مراجعه به استریوها و خرید و تماشای فیلم های مبتذل و منحرف کننده وقت خود را با مطالعه کتاب سپری نکنیم؟ راستی چرا؟

بدان که کلید پیروزی و نصرت دوباره امت اسلام زنده کردن شعار «إقرأ: بخوان» است. بدون خواندن و مطالعه امکان قیام دوباره امت اسلام وجود ندارد. یکی از رهبران یهودی می‌گوید: «ما از مسلمانان نمی‌ترسیم چون نه می‌خوانند و نه مطالعه می‌کنند.» در حقیقت این یهودی دروغگو راست گفته است. چون امتی که نمی‌خواند امتی بی‌هیبت است و کسی از او هراسی ندارد.

برادر و خواهر مسلمانان! حداقل کاری که من و تو می‌توانیم انجام دهیم این است که از جایگاه انتقاد پایین بیاییم و ابتدا از خودمان شروع کنیم و همین حالا دست به کار مطالعه و کتابخوانی شویم و بیشتر از این فرصت‌ها را نسوزانیم، سپس خانواده و دوستان را نیز به این امر مهم تشویق و ترغیب کنیم و با خریدن کتاب و هدیه دادن کتاب زمینه مطالعه را در خانواده و دوستان ایجاد کنیم.

ضعف مطالعه یکی از ضعف‌های کلیدی و سبب عقبگرد مسلمانان و گرفتاری آن‌ها در دام دشمنان است. در این شرایط نسل جوان مسلمان باید ابعاد این آسیب را بشناسد و بالا بردن میزان مطالعه و ترویج فرهنگ مطالعه را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهد؛ یعنی هم خود وقتی مشخص از شبانه روز را به خواندن اختصاص دهد و هم زمینه‌ی این امر را برای دیگران به ویژه زنان فراهم کند.

امروزه فضای مناسبی برای مشارکت دینی زنان وجود ندارد، از این رو غالب زنان دیندار خانه نشین هستند و این بدین معناست که پیام دینی به طور کامل و صحیح به آنها نمی‌رسد. تلاش برای افزایش مطالعه زنان، تلاش برای آگاه سازی کسانی است که تربیت نسل‌های آینده را بر عهده دارند، بنابراین باید شناخت صحیحی از دین و مفاهیم دینی داشته باشند.

دینداری بدون مطالعه و خواندن و تحقیق در متون دینی یک دینداری و خداشناسی کور است:

* ﴿أَمَّنْ هُوَ قَنِتٌ ءَانَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ ۗ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾. [الزمر: 9]

«آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی که نمی‌دانند، برابر و یکسانند، (هرگز)؟!». از آموختن یک زمان چاره نیست که گوید که دانا و نادان یکیست * و رسول گرامیش می‌فرماید: «برتری عالم بر عابد، مانند برتری من بر کمترین شماسست».

کتاب بهترین دوست

آدمی بنا به سرشت و طبیعت انسانی و جاذبه هواهای نفسانی، گاهی اوقات صفات نامطلوب و ناپسندی را برای خویش برمی‌گزیند و با آن زندگی می‌کند. در حالی که خود او نیز به واقعیت این صفات بد یا اندیشه‌های ناسالم پی نمی‌برد و کسی دیگر هم شاید از ترس ناراحت شدنش، به او گوشزد نمی‌کند.

در این میان تنها دوست بی‌غرضی که می‌تواند نقطه عطفی در زندگی او ایجاد نماید و هیچگاه گفته‌اش زننده و ناراحت‌کننده نیست و آرام و بی‌سر و صدا، آدمی را اصلاح می‌کند، کتاب است. کتاب شفابخش بیماری‌های اخلاقی و اصلاح‌گر درون است که در موقعیت‌های گوناگون درس انسانیت و زندگی می‌دهد.

بیاوزمست کیمیای سعادت ز همصحبّت بد جدایی جدایی
زیانکاری ما از همنشین است عذاب دوزخ از بئس‌القرین است
بیشتر مردم حاضر نیستند کسی انگشت اتهام و اعتراض به سوی عیب‌ها و کمی‌هایشان دراز کند و آنان را نسبت به عاقبت بد اعمالشان آگاه سازد. اما مطالعه کتاب‌های مفید می‌تواند به شکلی حکیمانه در ریشه‌کن کردن اخلاق بد یاریگر انسان باشد و او را راهنمایی کند. کتاب روند اصلاح انسان را سرعت بخشیده و به سوی کمالات معنوی رهنما می‌گردد. هرچه بیشتر کتاب بخوانید، بیشتر از زندگی حقیقی برخوردار خواهید شد.

کتاب بیش از درس و معلم به انسان می‌آموزد و نه دهم معلومات انسان از کتاب است و یک دهم از معلم و درس.

هم‌نشینی به از کتاب مخواه که مصاحب بود گه و بی‌گاه
 بهجت افزای جان و راحت دل هرچه دلخواه توست از آن حاصل
 این چنین همدمی لطیف که دید؟ که نرنجید و نه برنجانید

کتاب هم‌نشینی است که تو را خسته و ملول نمی‌سازد. دوستی است که تو را فریب نمی‌دهد. رفیقی است که به تو آزار نمی‌رساند. کتاب از تمام دوستان انسان ثابت قدمتر و با وفاتر و صبورتر است و هرگز در ایام بدبختی و محنت به انسان پشت نمی‌کند برعکس آغوش مهربان و رأفت آن برای استقبال همیشه گشوده است. در دوره جوانی انسان را سرگرم و مشغول می‌سازد و در روزگار پیری و شکستگی تسلیت و دلداری می‌دهد.

حریفی که از وی نیاززد کس بسی آزمودم، کتاب است و بس
 رساند سخن را به خوبی به بُن به بسم الله آغاز سازد سُخن
 نگیرد به کس سبقت از هیچ باب از او تا نپرسی نگوید جواب
 امروز که دوستان خوب کم شده‌اند، دوستی بهتر از کتاب نخواهی یافت. چون کتاب ریا نمی‌کند، ظاهر و باطنش یکیست و هرچه در دل و درون دارد همان را می‌گوید، تا شما نزد او نروی و از او نخواهی، سخنی نمی‌گوید و هر وقت بخواهی، سکوت می‌کند. بشناس فرق دوست ز دشمن به چشم عقل که در پس هر چهره، چهره‌هاست
 چون بسی ابلیس آدم روی هست پس به هر دستی نباید داد دست
 کتاب تنها کسی است که بدون منت گذاشتن تمامی اطلاعات خود را در اختیار ما می‌گذارد و از صمیم قلب آرزومند موفقیت اطرافیان است.

باید چون حافظ شیرین سخن، از همنشینان دغل باز به کتاب پناه برد:
 جز صراحی و کتابم نبود یار و ندیم تا حریفان دغا را به جهان کم بینم
 یا چون صائب باید از دو رویان جهان به کتاب روی آورد:

نیست کاری به دو رویان جهانم صائب روی دل از همه عالم به کتابست مرا
حال که مطالعه کتاب‌های مفید، شاهراه سلامت اخلاقی و آموزگار بزرگ درس‌های
زندگانی است. پس تعلل و غفلت از مطالعه چرا؟!

اهمیت خواندن و مطالعه

کارشناسان علوم تربیتی بر این باورند و بارها اعلام کرده‌اند که مطالعه باعث افزایش علم و آگاهی فرزندان، گنجینه لغات و توسعه دایره واژگان شده و زمینه ساز تفکر و خلاقیت به شمار می‌رود. مطالعه آموزنده است و راه و رسم بهتر زیستن را به انسان می‌آموزد. ارزش‌ها را برمی‌شمارد و از ضد ارزش‌ها برحذر می‌دارد.

هر که در او جوهر دانایی است بر همه کارش توانایی است کودکان و نوجوانان از طریق مطالعه با سرزمین‌ها، زمان‌های مختلف، علوم و هنرهای گوناگون آشنا شده و قوه تخیل آنان فعال می‌شود. بهره‌گیری از تخیل ضرورت اساسی خلاقیت است. امروزه مطالعه را ابزاری برای آموزش غیرمستقیم راه و رسم زندگی می‌دانند که باعث آشنایی کودکان و نوجوانان با مسائل روز جامعه خواهد شد. عشق به مطالعه دروازه‌ی دنیای یادگیری، فرهنگ و اندیشه را به روی نوجوانان می‌گشاید. بی‌جهت نیست که یکی از دانش‌آموزان کتاب‌خوان می‌گوید: «اجازه، ما از وقتی کتاب می‌خوانیم انشایمان بهتر شده و دیکته‌مان هم بهتر شده است و بهتر حرف می‌زنیم.»

شعار روز جهانی کتاب کودک این بود: «کتاب‌ها یادآورند!»

مطالعه کردن، یعنی بهتر و بیش‌تر دانستن، و بهتر دانستن یعنی بهتر سخن گفتن، بهتر اندیشیدن و بهتر عمل کردن، و چه کسی یافت می‌شود که از این خصوصیات بی‌نیاز باشد! مطالعه بحران‌ها را مدیریت و حل می‌کند و از فاجعه‌ها پیشگیری می‌کند. از شاخص‌های مهم توسعه‌یافتگی هر جامعه سرانه مطالعه، میزان تولید و مصرف اطلاعات و کالاهای فرهنگی در آن جامعه است. آری، مطالعه سبب تغذیه فکری، روحی، روانی، دینی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه خواهد شد. در اهمیت نقش کتاب در تکامل جوامع انسانی، همین بس که تمام ادیان آسمانی و بزرگان تاریخ بشری از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

مطالعه انسان را از اسارت و بردگی باورهای غلط رهایی می‌بخشد، به انسان‌ها آزادی فکر و شعور و اندیشه می‌دهد و رمز و راز زندگی شرافتمندانه را می‌آموزد. مطالعه صور حیات است و شور بیداری می‌آفریند. انسان اهل مطالعه به جایگاه و منزلت انسانی خود پی برده و حصار تاریک جهل و نادانی را می‌شکند.

باید بدانی کسانی که اهل مطالعه هستند کمتر افسرده می‌شوند، کمتر احساس روزمرگی، سردرگمی و بی‌هدفی می‌کنند، آرامش روانی بیشتری دارند، زندگی شادتر و هدفمندتری دارند، به چنان رشد عقلانی‌ای می‌رسند که راه‌های زندگی مادی و معنوی را بهتر احساس می‌کنند. دنیای درون را رام و آرام کرده و در مواجهه با دنیای بیرون از خود، منطقی‌تر و عقلانی‌ترند.

کسی که اوقات آزاد و استراحتش را به مطالعه بپردازد در حقیقت فرصت هر گونه گناه، بیهوده‌گویی، غیبت، سخن‌چینی و بطالت را از خود می‌گیرد و از عذاب روحی ناشی از گناهان نجات پیدا می‌کند و در نتیجه از سلامت و بهداشت روان بیشتری برخوردار می‌شود.

بیاد داشته باش اگر نفس خود را به امور درست و سعادت آور و کسب علم مشغول نکنی، نفست تو را به امور باطل و بیهوده و عذاب آور و جهل و معصیت مشغول خواهد کرد. شخص کتابخوانی می‌گفت: من در موقع مطالعه از فکر گناه نجات می‌یابم به همین خاطر این حداقل فایده را از دست نمی‌دهم.

هرکه با دونا نشیند، همچو دونا دونا شود با خردمندان باش تا که عقلت افزون شود آری! انسان در سایه مطالعه و تفکر از شرّ و آفت مجالس لغو و بیهوده و مسخره و هم‌نشینی با آدم‌های خلافکار و بدکار و بیکاره که خوی بدشان سرایت می‌کند، دور می‌ماند. پزشکان می‌گویند: «افراد اهل مطالعه کمتر دچار فراموشی و آلزایمر و حواس‌پرتی می‌شوند».

مطالعه بهترین سرگرمی

بیشتر مردم ترجیح می‌دهند وقت خود را با کار و تفریح و رستوران و غیره بگذرانند، اما انسان‌های بزرگ همواره خود را درگیر سؤال با هستی می‌کنند که این امر در فرایندی به نام مطالعه خود را بروز می‌دهد و جالب اینکه مطالعه نیز برای آن‌ها نوعی سرگرمی می‌شود و آن‌ها را به خود مشغول می‌کند و البته چقدر خوب است که میان این همه لهو و لعب‌ها و لغوها و عبث‌ها، سرگرمی انسان کتاب باشد. در واقع انسان‌های بزرگ با یک تیر دو نشان می‌زنند. هم وقت خود را به خوبی پر می‌کنند و هم گرسنگی روحی و فکری خود را تسکین می‌دهند.

ناگفته پیداست که در دنیای رقابتی فعلی، انسان ضعیف جایی ندارد و آن‌ها که از افکار عمیق‌تری برخوردارند و از میراث هویت خود آگاهی دارند، در برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف نیز موفق‌ترند، لذا مطالعه را باید جدی گرفت که آن چیزی بیشتر از پرنمودن اوقات فراغت و یک سرگرمی روزانه است.

مطالعه مبارزه با پوچی و تنهایی آدمی است و خواننده را مجبور می‌کند که در خانه دیگری را بگوید، از دیگری کمک بخواهد و بنابراین از خود بیرون بیاید.

فروغ صبح دانایی کتاب است	انیس کنج تنهایی کتاب است
ز دانش بخشدت هر دم گشادی	بود بی‌مزد و منت اوستادی
به قیمت هر ورق زان یک طبق دُر	درونش همچو غنچه از ورق پر
گر ایشان را زند کس بر لب انگشت	ز یکرنگی همه هم روی و هم پشت
هزاران گوهر معنی نمایند	به تقریر لطایف لب گشایند

بنابراین، اگر می‌خواهید مرز روزمرگی و بیهودگی را بشکنید و در این دنیا حرف برای گفتن داشته باشید و اساساً بدانید که «چه باید بکنید؟» باید با سلاح مطالعه، فکر و اندیشه‌ی خود را مجهز کنید.

نگران فراموش کردن مطالب خوانده شده، نباشید!

مسلم است که ما تمام کلمات و جملات کتاب را به خاطر نمی‌سپاریم و اصلاً شاید فراموش کرده باشیم که چه کتاب‌هایی خوانده‌ایم و یا اگر از ما بپرسند فلان کتابی که دو سال پیش خواندی در چه مورد بود، شاید نتوانیم به خاطر بیاوریم. ولی این بدان معنا نیست که آن مطالعات بی‌ثمر بوده و کاملاً به فراموشی سپرده شده‌اند.

آری، اگر به شکلی سطحی و ظاهری کتابی را خوانده باشیم مطمئناً سریعاً آن را فراموش خواهیم کرد و چنانچه قبلاً گفته‌ام در این صورت مطالعه‌ای رخ نداده، زیرا مطالعه (بر وزن مفاعله) پدیده‌ای است دو طرفه و نوعی درگیری و چالش است بین ذهن و متن، ثمره همه مطالعات ما ورزیده شدن ذهن است. در فرایند مطالعه کتاب را ﴿كَمْثِلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَثْقَارًا﴾ بر دوش نمی‌کشیم بلکه مطالعه باعث شده است که اتفاقی در ذهن ما بیفتد و مهم همین اتفاق است نه جملات و داستان‌هایی که می‌خوانیم و حفظ می‌کنیم و فراموش می‌کنیم!

ثمره این تأثیرات و اتفاقات خود را در قدرت تجزیه و تحلیل ذهنی انسان نشان می‌دهد. ثمره مطالعه وسیع‌تر شدن فضای ذهنی و عمیق‌تر شدن لایه‌های فکری و آشنایی با متغیرهای گوناگون در تحلیل پدیده‌هاست. شاید کلمات و جملاتی را که خوانده‌ایم فراموش کنیم ولی اثری که آن کلمات بر ذهن ما گذاشته‌اند از بین نمی‌رود. درست به همین خاطر است که اهالی مطالعه بهتر می‌خوانند، بهتر می‌نویسند و بهتر حرف می‌زنند.

انسانی که به معنی واقعی کلمه درگیر چالشی به نام مطالعه بوده است دیگر نگاهی ساده و گذرا به پدیده‌ها ندارد. بلکه هر پدیده‌ای برایش لایه‌های متعددی می‌یابد که باید موشکافانه و عمیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به طور مثال یک فرد بی‌مطالعه وقتی

با پدیده‌ای به نام ترافیک مواجه می‌شود، بدون تجزیه و تحلیل مسائل تاریخی و جغرافیایی و فرهنگی و اعتقادی و اقتصادی، آن را تقصیر حکومت می‌داند.

مطالعه همراه با تفکر

- بهتر است کسی که مطالعه می‌کند به دقت در مورد آن چیزی که می‌خواند، بیندیشد. نویسنده‌ای می‌گوید: خواندن بدون فکر کردن، بدتر از نخواندن است.
- کسی که می‌خواند و با پرتو تفکر و دقت نظر در جاده کلمات قدم می‌زند، اگر این مسیر را به درستی ببیند، ممکن است با حقایقی به شرح زیر روبرو شود:
- 1- یافته‌های ناشی از مطالعه خویش را با دانسته‌های درون ذهنش به هم می‌آمیزد و به نکات جدیدی می‌رسد.
 - 2- با خواندن مطالب به فکر فرو می‌رود و در مورد آن‌ها می‌اندیشد و سوالاتی در ذهنش پدید می‌آید که او را به سوی کسب دانسته‌های جدید هدایت می‌کند و چراغ علم و دانش او فروزان تر می‌شود.
 - 3- هر چیزی را چشم بسته قبول نمی‌کند و چه بسا نوشته‌ای را پر از اشتباه یافته و آن را از ذهن می‌زداید.
 - 4- به نقد مطالب خوانده شده می‌پردازد و مزایا و معایب آن را سنجیده و کفه ترازو را می‌نگرد که به کدام سو متمایل است، آیا به سلامت جسم و روح او کمک می‌کند و یا تخریب گر اوست.
 - 5- ابهامات پدید آمده در ذهنش را پیگیری می‌کند و با نویسنده مطلب ارتباط برقرار کرده و به تبادل نظر می‌پردازد و علاوه بر کسب اطلاعات بیشتر، دانسته‌هایش را به نویسنده منتقل می‌کند و سبب رفع کاستی‌های قلم نویسنده شده و به او کمک می‌کند تا در آینده بتوان مطالب کامل‌تری خلق کند.
 - 6- امروزه رسالت سنگینی بر گردن مطالعه‌کننده وجود دارد، زیرا اوست که قادر است به نویسندگان کمک کند تا آنان در راه خویش قدم‌های درستی را بردارند.

خوانندگان منفعل و بدون فکر، چه بسا زمینه‌ساز شکل‌گیری نویسندگانی در جامعه شوند که قلم آنان اثرات نامطلوبی بر جامعه برجا بگذارد، اثراتی که سالیان آینده به یکباره پدیدار می‌شود.

7- خواننده فعال در خصوص مطالب خوانده شده با متخصصان و اندیشمندان مشورت کرده و آن را مورد تحلیل قرار می‌دهد و از نکات سودمند آن می‌آموزد و از خطرات آن آگاه می‌شود. چه بسیار نوشته‌هایی که بدون فکر خوانده شده‌اند و خوانندگان شان به مصیبت‌ها گرفتار شده‌اند.

چگونه خود و فرزندانمان را به مطالعه و خواندن علاقه‌مند کنیم؟

1- به خاطر داشته باشید پدر و مادر اولین معلمان و استادان بچه‌ها هستند و بزرگترین و بهترین تشویق عملکرد والدین است. بچه‌هایی که پدر و مادرشان خود افرادی کتاب‌خوان و اهل مطالعه هستند و برای آن ارزش قائلند و ابزار لازم برای کتابخوانی را در خانه مهیا کرده‌اند، بیشتر به سمت کتاب و کتابخوانی گرایش پیدا می‌کنند. اطاق بدون کتاب، مانند جسم بی‌روح و خانه بدون چراغ است.

2- باید بچه‌ها ببینند که والدین کتاب می‌خوانند و از مطالعه لذت می‌برند. بگذارید تا کودک شاهد لذت بردن شما از مطالعه باشد. مخصوصاً خانم‌ها که وقت بیشتری برای مطالعه دارند. «ای کاش عمر دراز انتظارم کوتاه شود، زنان و دختران وطنم دیگر پروانه نگاه شان را در دوزخ چشمان جواهرات و تجملات نسوزانند، روزی یک بار، تنها یک بار با بال آن پروانه‌ها راهی سرزمین کتاب شوند. (امین گردیلانی)»

3- فرهنگ و عادت به کتابخوانی باید از کودکی شروع شود. زمانی که کودک شما به طرف کتابی می‌رود، از جا نپرید و از ترس اینکه مبادا کتاب را پاره کند کتاب را از دسترس کودک پنهان نکنید. آیا بهتر نیست چند کتاب پاره شود ولی کودکانمان با کتاب مأنوس و بزرگ شوند؟ آیا بهتر نیست کودکان خود را قبل از مدرسه، در منزل با کتاب آشنا سازیم؟

4- برای بچه‌ها کتاب بخرید و آن را در دسترس آن‌ها قرار دهید. بچه‌هایی که کتابخوان می‌شوند، معمولاً به خانواده‌هایی تعلق دارند که کتاب و سایر ابزار مطالعه در خانه مهیا است.

5- بیشتر پدران و مادران به تمام نیازهای فرزندان توجه می‌کنند و هزینه می‌کنند، بجز به کتاب و کتابخوانی، و بارها شنیده‌ام که گفته‌اند: برای فرزندم هرچه خواست خریدم پس چرا معتاد شد و یا بی‌بند و بار و سرکش شد؟ غافلند از اینکه اولین تربیت فرزند باید تربیت روحی و تغذیه فکری باشد و مهم‌ترین هزینه‌ها خریدن کتاب برای او باشد. و مهم‌ترین درس زندگی او باید مطالعه و تحقیق باشد. والدین گرامی شما که این همه هزینه می‌کنید، هزینه دانایی فرزندت را هم پرداز تا مجبور نشوی که هزینه‌های نادانی‌اش را پردازی، چون هزینه جهل و نادانی بسیار بیشتر از دانایی است، چرا که یک ذره پیشگیری اولیه بسیار بهتر و مهم‌تر است از یک خروار مراقبت بعدی.

6- در اتاق بچه‌ها کتابخانه‌ای قفسه بندی شده درست کنید. چند جمله و عکس از کتاب‌ها، نویسندگان و شاعران بزرگ را در اتاقش نصب کنید. خرید میز مطالعه و چراغ مطالعه و هدیه دادن کتاب، می‌تواند مشوق او به مطالعه باشد. یادتان باشد هر نوع هزینه‌ای که در این راه متحمل شوید، فایده‌اش را بعدها خواهید دید.

7- کم اهمیت شدن مطالعه نزد بیشتر افراد، به خاطر بی‌اهمیت بودن آن نزد اطرافیان است چه در خانواده و چه در جامعه.

خواندن نمی‌کنی تو، چه حاصل در خانه اگر هزار کتاب است

8- والدین و معلمان، اجازه بدهید کودکان در کنار مطالعه درسی، کتاب‌های غیردرسی مورد علاقه خود را مطالعه کنند و آن‌ها را متهم به اتلاف وقت نکنید. تجربه ثابت کرده است اگر فردی لذت مطالعه را کسب کند، هرگز آن لذت را از دست نمی‌دهد. بسیاری از خانواده‌ها اجازه نمی‌دهند این لذت شیرین را بچه‌ها تجربه کنند. به محض این که کودک مجله یا کتاب کودکان را به دست می‌گیرد، به کرسی نصیحت می‌نشینند که «تو باید کتابی را بخوانی که فایده داشته باشد. این مجله چه فایده دارد. بهتر است کتاب درسی بخوانی». کتاب درسی علاوه بر

آن که لذت مطالعه را برای کودک و نوجوان به ارمغان نمی‌آورد، او را از مطالعه دور می‌کند. برای شروع مطالعه، باید ذوق و سلیقه‌ی نوجوان را آبیاری کرد. باید هر مجله یا روزنامه و کتابی که دوست دارد، برایش تهیه کرده و اگر میل پیدا کرد که حوادث روزنامه و کتاب را تعریف کند، با علاقه به آن گوش داده و اگر فرصت هست، پس از مطالعه با او صحبت کرد

9- در کنار عروسک و تفنگ و توپ، برای فرزندان خود کتاب و لوازم تشویق به مطالعه و کتابخوانی نیز تهیه نمایید. فرزندانی که در محیطی بدون کتاب پرورش پیدا کنند، نمی‌توان از آنها توقع داشت کتابخوان بار بیایند.

10- حتماً کتابخانه‌ای در خانه داشته باشید. تا کودک با دیدن کتابخانه دیگران از خود نپرسد: «چطور حوصله می‌کنند این همه کتاب را بخوانند؟»

11- برای اعضای خانواده دفتر یادگاری و دفتر خاطرات درست کنید. نوشتن خاطرات و یادگاری تشویقی برای تقویت نوشتن، مطالعه و خواندن است.

12- بر عکس باور بسیاری از مردم که کتاب را کالایی تجملی و غیر ضروری می‌دانند، باید بدانید که کتاب ضروری‌ترین و بهترین کالاهاست.

13- سعی کنید تا مطالبی را که کودکانتان ممکن است به خواندن آنها علاقه داشته باشند بیابید. از موضوع‌های مورد علاقه آنها و همچنین مطالب سرگرم‌کننده به عنوان نقطه شروع برای مطالعه استفاده کنید.

14- نباید کتاب‌های بچه‌ها را خارج از دسترس نگه دارید که در دیدرس آنها نباشد یا دسترسی به آن نداشته باشند. بهتر است کتاب‌ها را نه در جایی بلند، بلکه در دسترس آنها قرار دهید. مواد خواندنی گوناگونی مانند کتاب، مجله و حتی بروشورهای رنگارنگ تبلیغاتی را در نقاط متفاوت منزل جایی که به چشم بیایند، قرار دهید.

- 15- به بچه‌ها کتاب و مجلات بر اساس علاقه‌اش هدیه دهید. کتاب هدیه‌ای نسبتاً ارزان و بسیار مفید است. چون چیزی که به صورت هدیه به کسی داده شود ارزش و احترام بیشتری پیدا می‌کند. آیا بهتر نیست به جای فراهم کردن اسباب تفریح بچه‌هایمان به آن‌ها کتابی هدیه بدهیم؟
- 16- مطالعه را به صورت یک تفریح درآورید. چیزی که از آن لذت برده شود همیشه مورد علاقه است. داستان کتاب‌ها را به صورت نمایش درآورید، صدایتان را عوض کنید و بچه‌ها را سر شوق بیاورید. اگر داستان را خسته‌کننده و بی‌حوصله برای بچه‌ها بخوانید، هرچقدر هم که داستان جالب و جذابی باشد، آن‌ها اشتیاقی برای دنبال کردن آن نخواهند داشت.
- 17- مرتب کتاب بخوانید. هر روز یا حتی چند بار در روز برای بچه‌های کوچک‌تان کتاب بخوانید. بچه‌های بزرگ‌ترتان را هم تشویق کنید که هر روز برای خود مطالعه کنند و درمورد کتابی که خوانده‌اند با آن‌ها صحبت و گفتگو کنید. چون بچه‌های کوچک‌تر بچه بزرگ خانواده را الگو قرار می‌دهند. کودکان بزرگ‌تر را به خواندن برای کوچک‌ترها تشویق کنید. کودکان بزرگ‌تر دوست دارند تا در برابر کوچک‌ترها خودنمایی کنند.
- 18- تلویزیون را خاموش کنید و کمی خانه را آرام کنید. خاموش بودن تلویزیون باعث می‌شود بچه‌ها به دنبال سرگرمی دیگری برای خود باشند. تماشای بیش از اندازه تلویزیون برای بچه‌ها مضر است، به ویژه اگر بخواهید آن‌ها را به مطالعه تشویق کنید. اما هیچگاه دیدن برنامه‌های تلویزیون را جایزه کتاب خواندن، و تنبیه مطالعه نکردن را محرومیت از تلویزیون قرار ندهید.
- 19- مهمانی‌ها و شب نشینی‌های طولانی و دیر هنگام را تعطیل کنید، تفریحات و خیابان گردیها را کمتر کنید، کمتر به بازار بروید و زود برگردید که بازار مجلس شیطانی است. کسانی که زیاد در رفت و آمدند و زیاد می‌نشینند، از مردم سخن

می‌گویند و به سخنان بیهوده و بسا به غیبت گرفتار می‌شوند و فرصت مطالعه را از خود و خانواده و دیگران می‌گیرند. و بسیاری از مردم چنین شیوه‌ای دارند اما انسان‌های بزرگ از آن وحشت دارند.

20- به شکل منظم بچه‌ها را به کتابخانه یا کتابفروشی ببرید تا کتاب‌های مورد علاقه شان را خودشان انتخاب کنند. اگر کتابی را انتخاب کرد، با انتخابش مخالفت نکنید. و از بکار بردن جملات زیر پرهیز کنید: «تو که وقت نداری کتاب بخوانی! برای چی می‌خواهی کتاب بخری؟ لازم نکرده! همان درس‌هایت را بخوان و...»

21- یادتان باشد مجلات و کتاب‌های خنده دار و مفرح راه بسیار خوبی برای ترغیب بچه‌ها به کتاب‌خواندن است. یک راه خوب دیگر برای تشویق بچه‌ها به مطالعه استفاده از کتاب‌های مخصوص کامپیوتر و موبایل است.

22- بچه‌ها را به جلسات و مسابقات کتابخوانی در کتابخانه یا کتابفروشی محل ببرید. گاهی اوقات وقتی بچه‌ها کتاب‌ها را از زبان افراد دیگر بشنوند علاقه و اشتیاق بیشتری به خواندن پیدا می‌کنند.

23- کتاب‌های چند فصلی بخوانید. کتاب‌های چند فصلی خواننده را بیشتر ترغیب به خواندن می‌کند و باعث می‌شود برای اطلاع یافتن از آخر داستان دوباره به سراغ کتاب بیایند یا آنقدر خواندنشان را ادامه دهند تا کتاب را به پایان برسانند.

24- از فیلم مورد علاقه بچه‌ها استفاده کنید. و کتاب‌هایی با آن نوع شخصیت‌هایی که دوست دارند برایشان بخرید.

25- از لالایی‌ها کمک بگیرید. شاید بچه‌ها دوست داشته باشند لالایی‌هایی که در کودکی برایشان می‌خواندید را بار دیگر در کتاب بخوانند. پس کتابش را پیدا کنید و برایشان بخرید.

26- کتاب‌ها را با هم بلند بلند بخوانید. این راه برای آموزش مطالعه به بچه‌ها بسیار خوب است چون بچه‌ها عاشق در آوردن صدا هستند. پس هر زمان که وقت

کردید، با هم نشسته و کتاب‌ها را بلند بخوانید. بخصوص کودکانی که به دلیل ضعف در خواندن از مطالعه گریزان هستند. لذت بردن از داستان خوانی با صدای بلند و دوری از تلاش و کوشش‌های فردی شاید باعث شود تا کودک دوباره به کتاب‌خواندن و مطالعه علاقه‌مند شود.

27- تشویق کردن بچه‌ها به مطالعه کار چندان دشواری نیست. می‌بینید که راه‌های زیادی برای اینکار وجود دارد. به علایق آن‌ها توجه کنید و برحسب آن کتاب‌های مناسبی در اختیارشان قرار دهید تا از همین کودکی با ارزش کتاب و مطالعه آشنا شوند.

28- بازی‌هایی را انجام دهید که با خواندن و دیکته کلمات در ارتباط باشند.

29- از فرزندان خود بخواهید به کتابخانه رفته یا از میان کتاب‌های منزل درباره موضوعی تحقیقی داشته باشند. مثلاً غیبت و اثرات بد آن یا دروغ‌گویی و غیره.

30- در زمان صرف شام و یا زمانی که همه خانواده دور هم جمع هستند درباره مطالبی که خوانده‌اید صحبت کنید و دیگران را نیز تشویق کنید تا این گونه عمل کنند.

31- زمانی را به صورت مشخص و منظم در خانه به عنوان زمان خواندن اختصاص دهید. زمانی جدا از ساعت‌های انجام تکالیف مدرسه، شاید قبل از شام، کمی قبل از تاریک شدن هوا و یا هر زمان دیگری که خود مناسب برنامه روزانه خانواده می‌دانید. زمان مطالعه آزاد حتی اگر به کوتاهی ده دقیقه هم باشد به شکل گیری مهارت و عادت مطالعه در کودک شما کمک خواهد کرد.

32- کودک را تشویق کنید تا بخش‌های هیجان‌انگیزی از یک کتاب، قسمت‌های جالبی از روزنامه و یا لطیفه‌های موجود در کتاب را برایتان با صدای بلند بخواند. به یاد داشته باشید حتی خوانندگان خبره هم در تلفظ برخی واژه‌ها دچار اشکال می‌شوند پس دلیلی ندارد تا کودک شما کامل و بی‌عیب و نقص بخواند.

33- محلی را در خانه مشخص کنید تا کودک بتواند به صورت مستقل کتاب‌هایش را در آن جا قرار دهد. یا کتابخانه‌ای شخصی داشته باشد و شما بر نظم و انضباط کتابخانه نظارت کنید.

34- نشانه کتاب را به کودکانتان معرفی کنید. به آن‌ها یاد آوری کنید که نیازی نیست تا کتاب را در یک نشست تمام کنند، می‌توانند بعد از خواندن چند صفحه یا چند فصل کتاب را کناری گذاشته و در زمان مناسب دیگری از جایی که کتاب را علامت‌گذاری کرده‌اند خواندن را پی گیرند. کودک را مجبور نکنید تا کتابی را که دوست ندارد تا آخر بخواند. به او پیشنهاد کنید کتابی را که دوست ندارد کنار گذاشته و کتاب جدیدی را شروع کند. مطالعه اجباری باعث کتاب‌گریزی می‌شود.

35- با انتخاب کتاب‌های جالب و سرگرم‌کننده، برنامه‌ای جذاب برای کودک تان آماده کنید. بسیاری از کودکان (و حتی برخی از بزرگسالان) خواندن را فرایندی بسیار جدی می‌دانند. با انتخاب بخش‌های خنده دار کتاب و بلند خوانی آن‌ها یا داستان‌های چیستان گونه و جذاب، به کودکان نشان دهید که خواندن تا چه حد می‌تواند لذت بخش باشد.

36- برای ایجاد انگیزه مطالعه در کودکان از مشوق‌های دیگری نیز می‌توانید استفاده کنید به طور مثال به کودک اجازه دهید بیش از معمول بیدار بماند تا بتواند بخشی از کتاب را به پایان برساند، او را از انجام برخی وظایف خانگی معاف کنید. به کودک بگویید اگر کتاب خاصی را که بر اساسش فیلمی ساخته شده بخواند او را برای تماشای آن فیلم خواهید برد.

37- از هر زمان و موضوع جالبی برای تشویق به خواندن استفاده کنید. منوی غذا، علائم راهنمایی و نشانه‌های موجود در خیابان‌ها، متن ترانه‌های مورد علاقه کودک همه می‌توانند انگیزه‌ای برای تقویت فرایند خواندن باشند.

38- همواره کاغذ و قلم را همراه خود داشته باشید و مطالب و نکات کلیدی و مهم را یادداشت کنید تا فراموش نکنید. ابوالمعالی در «قابوس نامه» می‌گوید: اگر طالب علمی پرهیزکار باش و قانع، حریص به نوشتن، دیرخواب و زود خیز، باید کتاب و قلم و دفتر همیشه با تو بود، هرچه می‌خوانی تکرار کن و برای دیگران بازگو تا فراموش نکنی.

اهمیت خواندن کتاب برای نوزادان

- 1- والدین اغلب تصور می‌کنند که کتاب‌خواندن برای نوزاد کار بی‌فایده‌ای است. در حالی که اگر مادر کنار فرزند بنشیند و کتاب مناسبی برایش انتخاب کند، آمادگی و اشتیاق وی را برای یادگیری مشاهده خواهد کرد.
- 2- کودک از بدو تولد از شنیدن صدای کتاب‌خواندن شما لذت می‌برد، برای او شنیدن صدای گرم و دلنشین شما لذتبخش‌ترین چیز در دنیاست. تا زمانی که کودک با حوصله به سخنان شما گوش می‌دهد کتابخوانی را ادامه دهید.
- 3- اگر والدین یا مربی هنگام خواندن کتاب، انگشت خود را زیر خط‌های نوشته شده قرار دهد، توجه وی به مطالب بیشتر می‌شود و به این ترتیب علاقه به مطالعه در نوزاد شکوفا خواهد شد. چنین نوزادی هنگامی که بزرگ شد، خود به سوی مطالعه در موضوعات گوناگون خواهد رفت.
- 4- کتاب‌هایی مقوایی انتخاب کنید که عکس‌هایی بزرگی داشته باشد. بهتر است هر صفحه موضوعات زیادی نداشته باشد. همان‌طوری که قدرت تمرکز نوزاد در هشت هفته اول زندگی پیشرفت می‌کند می‌تواند کتاب را هم بیشتر و بیشتر درک کند. نوزاد عاشق نگاه کردن به عکس‌ها و تصاویر کودکان دیگر است و چهره اشخاص توجه او را خیلی به خود جلب می‌کند. مخصوصاً اگر چشمانی بزرگ داشته باشد و بخندد. در هنگام خواندن کتاب به این تصاویر اشاره کنید و درباره آن‌ها با وی حرف بزنید و سایر افراد خانواده را به این کار تشویق کنید.
- 5- وقتی قدرت تمرکز نوزاد کامل شد و شروع به فهم تصاویر و در آوردن صداهای بیشتری از خود کرد کتاب‌هایی که جزییات آن کمی بیشتر است به وی نشان دهید و برایش داستان بخوانید.

6- نوزاد عاشق آن است که به حالت صداها و آهنگ کلام شما درحالی که روی پای شما نشسته است گوش بدهد. زمان مناسب برای خواندن کتاب از یاد نرود. اگر نوزادمان به اندازه‌ای بزرگ شده که خود می‌تواند در مورد اشیاء اظهار نظر کند پس باید به علایق وی، کتاب را انتخاب کنیم. به عنوان مثال اگر نوزاد به گربه همسایه توجه کند والدین کتابی را در مورد گربه تهیه کند. اگر چنین کارهایی انجام شود نه تنها ارتباط با فرزند تقویت می‌شود بلکه علاقه به مطالعه و لذت از آن را برایش به وجود می‌آورد.

تشویق به مطالعه در مدرسه

- 1- در مدرسه آموزگاران با خواندن خلاصه‌ای از مطالب یک کتاب می‌توانند تأثیر مهمی در آشنایی کودکان با کتاب و معرفی کتاب‌های خوب به آنان داشته باشند. مانند کتاب «سیمای دانش‌آموز برتر» یا «۷ عادت نوجوانان موفق».
- 2- نمایشگاه کتاب ماهیانه یا فصلی در مدرسه برگزار کنید.
- 3- دانش‌آموزان را به خواندن نشریات تشویق کنید و نشریات خوب متناسب با سن آنها را معرفی کنید. آنها گزارش‌های به‌روز و کوتاه را دوست دارند. نشریه‌ای به شکل ماهنامه یا فصلنامه در مدرسه درست کنید.
- 4- ساعاتی را در کلاس به بلندخوانی اختصاص دهید و در میانه‌ی کار پرسش و پاسخ داشته باشید.

عوامل مؤثر در کاهش سطح مطالعه و کتابخوانی

1- عدم آگاهی از اهمیت مطالعه در پیشرفت روحی و اجتماعی افراد

معمولاً در میان افراد جامعه آگاهی مناسبی نسبت به اهمیت مطالعه در پیشرفت روحی و اجتماعی افراد وجود ندارد. باید کتاب و کتابخوانی به عنوان خوراک روح در سبد غذایی خانواده قرار گیرد. متأسفانه خانواده‌ها فرزندان را طوری بار می‌آورند که دنبال کارهایی بروند که کمکی به بهبود وضع اقتصادی آنان نکند و چون مطالعه را در آن راستا نمی‌دانند، دلیلی برای مطالعه در خود نمی‌بینند و به سمت کتاب و کتابخانه نمی‌روند.

2- ضعف فرهنگ اطلاع‌رسانی و عدم توجه به کتاب به عنوان یک کالای فرهنگی

بدلیل عدم اطلاع‌رسانی در زمینه فرهنگی در کشورهای توسعه نیافته، افراد از بسیاری از کتاب‌ها یا محصولات فرهنگی اصلاً اطلاعی ندارند. برگزاری نمایشگاه‌های کتاب در اقصا نقاط کشور، معرفی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی به دانش‌آموزان و دانشجویان، برگزاری جلسات نقد کتاب، بازدید از انشادات و برگزاری جشن‌های کتاب و کتابخوانی، گسترش کتابخانه‌های عمومی از عوامل تاثیرگذار بر رونق بازار نشر و گسترش فرهنگ کتابخوانی می‌باشند.

اصحاب رسانه و نظام آموزشی و بعد از آن هر شخص و سازمانی که مردم حرفش را می‌شنوند و می‌پذیرند، مانند اساتید دانشگاه و امامان مساجد، بایستی کتاب را به جامعه معرفی کنند.

3- نارسایی‌های سیستم آموزش در مهم جلوه‌دادن کتاب‌های درسی و جلوگیری از مطالعه متون غیر درسی و آزاد

مطالب درسی باید راهگشای عرصه‌های گسترده تر و مجرای راهیابی به متون متنوع دیگر باشد که با نظریه‌های گوناگون و متفاوت به مسایل مطروحه در بحث بپردازد. در

متون درسی هدف آن نیست که دانش موجود در آن زمینه به طور کامل و جامع در متنی واحد گرد آید و به عنوان بسته‌ای آماده و غیر قابل تجزیه و نفوذ به ذهن دانشجو انتقال یابد. نظام آموزش رسمی نباید دانشجو را موجودی وابسته بار بیاورد که در داخل دایره‌ای به نام متون درسی در گردش باشد و به سختی بتواند پا را از این دایره فراتر بگذارد و افق دیدش را روشن نماید. زیرا در این نظام بیش از آنکه استعداد و علایق فردی مورد نظر باشد قابلیت انطباق مد نظر است، هرکه انطباق پذیرتر، شایسته تر.

4- عدم حمایت فرهنگیان و نویسندگان

در بیشتر کشورهای توسعه نیافته به دلیل وجود تنگ نظری‌ها و در نظر گرفتن دستمزد بسیار پایین برای کارهای فرهنگی، نویسندگان و ناشران تمایلی به تولید کتاب ندارند. نویسندگانی که کتاب‌هایشان در کشورهای دیگر با استقبال روبرو می‌شود اما در کشور خودشان ماه‌ها و سال‌ها در کتابفروشی‌ها می‌ماند هیچ انگیزه‌ای برای نوشتن کتاب بعدی ندارند یا ناشرانی که با وجود هزینه بسیار در انتشار کتاب سود چندانی نصیب شان نمی‌شود. یکی از دلایل پایین بودن سرانه مطالعه در این کشورها بی‌توجهی مسئولان فرهنگی نسبت به این امر است. بی‌تفاوتی به بخش فرهنگ از معضلاتی است که این جوامع با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. صنعت کتاب و چاپ و نشر بایستی یکی از صنایع رشد یافته و قوی باشد.

بر اساس تحقیقاتی که روی عده‌ای انجام شد اکثر افراد عنوان می‌کردند که آن‌ها علاقه به کتاب‌خواندن دارند. اما یا وقت ندارند یا هنوز از نویسندگان خوب کشورشان یا نویسندگان خوب جهانی هیچ اطلاعی ندارند و نمی‌دانند از کجا کتاب‌هایشان را تهیه کنند. حتی اگر شخصی خواننده خوبی نباشد و به کتاب به عنوان نوعی وسیله سرگرمی نگاه کند که هر از گاهی آن را در دست بگیرد و نگاهی به آن بیندازد اما این حقیقت وجود دارد که وجود کتاب خوب، اختصاص جایگاه به کتاب و اختصاص بودجه به این بخش توسط دولت فرد را به فرهنگ جذب می‌کند.

5- رسانه‌های پرسر و صدا

تنوع رسانه آنقدر در اطراف مان زیاد شده است که انتخاب از میان شان برای مان دشوار شده است. ولی ما ناگزیر باید ذایقه خود را از میان این موج عظیم پیدا کرده و علاقمندی‌های خود را انتخاب کنیم. نباید سر در گم و پریشان در دنیای رسانه‌ها غرق شد. بیشتر مردم وقت‌شان را صرف گشت و گذار و تفریحات و بازی در دنیای اینترنت و کامپیوتر و تلویزیون و ماهواره می‌کنند. البته اگر رسانه‌ای مانند اینترنت یا تلویزیون زمینه کتابخوانی را فراهم کند ایرادی نیست، اما متأسفانه بیشتر استفاده تفریحی می‌شود نه استفاده تحقیقی. و کتابخوانی و مطالعه و تحقیق در میان این فعالیت‌ها جایی ندارد. اینترنت و کامپیوتر باید به صورت ابزاری درآید که بتواند به بالارفتن سرانه مطالعه کمک کند و تعداد کتاب‌های الکترونیکی باید توسعه یابد. البته امروز وقتی می‌بینیم شخصی به تماشای فیلمی مشغول است، او را هم باید ماهیتاً درحال مطالعه کتاب به حساب آورد؛ چرا که روح هر فیلمی یک کتاب است، همان که فیلم نامه‌اش می‌نامند! اما باز هم جای کتاب را نمی‌گیرد و کتاب چیزی دیگر است.

6- کتاب‌های غریبه

همه ما افراد بسیاری را دیده‌ایم که می‌گویند کتاب مطابق میل‌شان را پیدا نمی‌کنند. عده زیادی از نویسندگان ما برای مخاطب عام کتاب نمی‌نویسند و عمده توجه‌شان این است که کتاب‌شان مورد توجه اهل فضل و اهل قلم واقع شود. این در حالی است که کمتر نویسنده‌ای به این نکته توجه می‌کند که بدنه جامعه چگونه‌اند، چقدر سواد دارند و به چه مطالبی علاقه‌مند هستند؟ حتی باید تلاش کرد مفاهیم عمیق را با بیان ساده‌ای که برای اکثر مردم قابل فهم باشد، بیان کرد تا آن‌ها نیز بتوانند به سهم خود از دانش و بینش بزرگان ما بهره ببرند.

7- میراث بد کتابخواندن

کارشناسان روان‌شناسی کودک در این مورد همصدا هستند که بچه‌ها بیشتر آنچه می‌آموزند، نه از گفتار پدر و مادر، بلکه از عمل کرد آنهاست و رفتار آنها را سرمشق قرار می‌دهند. در جامعه ما بچه‌ها نمی‌بینند یا بسیار کم می‌بینند که بزرگترها در حال مطالعه باشند. پزشکی می‌گوید تمام علاقه من به مطالعه حاصل و نتیجه میراث چند صد جلدی کتاب‌های پدرم است. واقعاً که کتاب چه ارث و میراث نیکویی است.

8- جای خالی کتاب

یکی از ایران‌شناسان بزرگ معاصر، پروفیسور لویی زون که سفری به ایران داشته است، به نکته‌ای اشاره می‌کند که برایش خیلی عجیب بوده است. او می‌گوید: «شما چه متروی زیبایی دارید، ولی چقدر عجیب است که هیچ‌کس در آن مطالعه نمی‌کند!» کتاب تصویر آشنایی برای ما نیست. کمتر پیش می‌آید که در یک فضای عمومی کتابی ببینیم. در حالی که در بسیاری از کشورها که سرانه مطالعه در آنها بالاست، کتاب در مترو، اتوبوس و دیگر مکان‌های عمومی در دست تعداد زیادی از افراد دیده می‌شود، به ندرت پیش می‌آید که ما در چنین فضاهایی مردم را مشغول کتابخواندن ببینیم. در محله‌ها و خیابان‌ها، کتابفروشی مکان نادری است و ممکن است اصلاً وجود نداشته باشد اما صدها فروشگاه و نمایشگاه می‌بینیم. به همان نسبت، کتابخانه‌ها هم کم هستند و عادت به عضویت در کتابخانه محل در میان ما وجود ندارد. این در حالی است که با توجه به گرانی کتاب و نداشتن فضای کافی در خانه‌های امروزی وجود کتابخانه‌های عمومی در هر محله‌ای ضروری به نظر می‌رسد.

9- گرانی و دغدغه معاش

در کشورهای توسعه نیافته، مشغولیت‌های ذهنی و زندگی‌های بسیار سخت باعث شده تا مردم این کشورها مدام در تلاش برای رسیدن به یک زندگی با متوسط امکانات

باشند. اما واقعیت این است که با وجود تمام مشکلات اقتصادی، اگر برنامه‌ریزی درست داشته باشیم به راحتی می‌توانیم هم کتاب تهیه کنیم و هم وقت مطالعه آن را ایجاد کنیم. یک کتاب معمولی تقریباً هم قیمت است با دو عدد ساندویچ یا یک عدد پیتزا، یا یک جوراب مردانه مرغوب، یا یک روسری متوسط و... خلاصه چندان گران نیست که مردم را از میدان به در کند، مگر اینکه بگوییم که مردم چنان درگیر هزینه‌های ضروری زندگی‌شان هستند که چیزی برای مصارف دیگری غیر از خوراک و پوشاک و موارد مهم از این قبیل باقی نمی‌ماند. بیشتر افراد جامعه در بودجه‌های ماهیانه و سالیانه خود، تقریباً جایی برای فرهنگ، بودجه و مصارف فرهنگی و خرید کالاهای فرهنگی در نظر نمی‌گیرند؛ مثلاً در اروپا علی‌رغم اینکه بلیت‌های تئاترهای بزرگ، یا جشنواره‌ها، گران هستند، مردم عادت کرده‌اند و تمایل دارند که از کالاهای فرهنگی استفاده کنند، حتی اگر به نسبت درآمد ماهیانه‌شان مبلغ زیادی باشد؛ زیرا به پیامدهای سازنده استفاده از اینگونه کالاهای به خوبی واقفند. اما در جامعه ما صرفه‌جویی در مرحله اول، از بخش فرهنگی و خرید و استفاده از محصولات فرهنگی آغاز می‌شود.

10- کتاب‌های تقلیدی و تکراری و نداشتن حرف تازه

بیشتر کتاب‌های امروزی، جمع‌آوری و گردآوری مطالب سایر کتاب‌هاست و تکرار مطلب باعث بی‌اعتمادی و بی‌علاقه‌گی به کتاب‌ها شده است. کتاب باید سعی کند مطابق با مقتضیات و تقاضای هر دوره‌ای مطالب و سخنان تازه بیان کند تا با استقبال خوانندگان روبرو شود.

زین سخن تازه بگو تا دو جهان تازه شود وارهد از هر دو جهان بی‌حد و اندازه شود

11- خانه‌های امروز

اگر شخصی به مطالعه کتاب علاقه‌مند باشد، متوسط در ماه دو یا سه کتاب می‌خرد که در سال 24 تا 36 کتاب خواهد شد. پس اگر این شخص کتاب خریدن را از 20 سالگی

شروع کند، در چهل سالگی وقتی کتاب‌های درسی و کتاب‌های اهدایی را به کتابخانه‌اش بیفزاییم، بین پانصد تا هزار کتاب خواهد داشت که در یک حساب واقع بینانه می‌شود به این نتیجه رسید که در خانه‌های پنجاه، شصت متری امروز واقعاً جایی برای این کتابخانه‌ها نیست. اگر این شخص علاقه‌مند به کتاب، مستأجر هم باشد، باید به‌طور متوسط هر دو سال یک بار علاوه بر کل اثاث خانه‌اش، بین نیم تا یک تن هم کتاب و کتابخانه را بر دوش بگیرد و جابه‌جا کند و همین فکر کافی است تا آدم‌های علاقه‌مند را هم از کتاب خریدن و کتاب خواندن منصرف کند!

12- تنبلی خودمان

همه این‌ها را گفتیم و بسیاری از مشکلات را گردن خانواده‌ها و مسؤولان فرهنگی و جامعه انداختیم، اما این دلیل نمی‌شود که سهم خودمان را در این ضعف فرهنگی نادیده بگیریم. دست‌کم یک نسل سومی بارها شنیده که کتاب خوراک روح و روان است و دیدگاه و بینش فرد را نسبت به جهان دور و برش تغییر می‌دهد. با این حال برای پرورش این عادت در خودمان کمتر تلاشی نکرده‌ایم و همیشه به بهانه‌های مختلف از زیر مطالعه شانه خالی کرده‌ایم. حسن ختام این نوشته شاید این باشد که سوزنی به خودمان بزنیم و در میان وقت‌هایی که در طول روز صرف کارهای غیرضروری و غیرمهم می‌کنیم جایی را برای مطالعه خالی کنیم. کار غیرممکنی نیست. امتحان کنید! کسی می‌گوید: مردم ما غرور کاذب علامه دهر بودن دارند و فکر می‌کنند همه چیز را می‌دانند و نیازی به مطالعه و یادگیری ندارند. و این آغاز تمام بدبختی‌هاست.

پیشنهادهای

- 1- نظام آموزشی ما باید طوری باشد که نه تنها افراد را کتاب زده و علم گریز نکند، بلکه در آن‌ها میل به دانستن و خلاقیت و ابتکار را بیدار نماید.
- 2- نویسندگان ما در هنگام خلق آثارشان مردم و سطح درک و سلیقه آن‌ها را در نظر بگیرند و اجازه دهند مردم عادی از دانش و بینش آن‌ها بهره‌مند شوند.
- 3- یکی از مسئولیت‌های بزرگ دانشمندان، قلم بدستان، نشریه‌ها و رسانه‌های صوتی و تصویری این است تا اذهان مردم را تنویر بخشیده و فایده‌های مطالعه را به اشکال گوناگونی به افراد جامعه رسانیده و فرهنگ مطالعه را ترویج دهند. مخصوصاً در شرایط فعلی که ایجاد روزافزون تلویزیونها، رادیوها و صدها وسایل دیگر در به بیراهه کشاندن، اغفال و به دور نگه داشتن قشر جوان مسلمان از مطالعه و کتاب و مغلوب ساختن فرهنگ مطالعه در میان مردم مسلمان بسیج شده‌اند تا که فرصت‌ها را به افسوس و یأس و بهانه‌ها و توقعات بی‌جا بگذرانند.
- 4- کتابخانه‌های عمومی باید بیش از پیش گسترش یابد و استفاده از آن برای همه مردم به سهولت امکان داشته باشد و فرهنگ کتاب اجاره‌ای گسترش یابد که در این صورت هر یک جلد کتاب را حدوداً پنجاه نفر مطالعه خواهند کرد. درحال حاضر از عمده فضای کتابخانه‌ها، دانش‌آموزان و داوطلبان کنکور استفاده می‌کنند که به جهت مطالعات درسی و آمادگی برای کنکور از فضای نسبتاً شلوغ خانه‌ها به این کتابخانه‌ها پناه می‌آورند. البته از جهت اینکه کمکی به این عزیزان می‌شود، بسیار خوب است؛ ولی کمکی به ترویج و رشد مطالعه آزاد، که هدف ایجاد کتابخانه‌های عمومی هستند، نمی‌کند. باید رشد کتابخانه‌ها به حدی برسد که در نزد مردم این فکر به وجود بیاید هر کتابی را که علاقه داریم بخوانیم، الزاماً نباید

بخریم. به کتابخانه محله مراجعه می‌کنیم، حتماً آن کتاب را دارد، به امانت می‌گیریم، می‌خوانیم و پس می‌دهیم، تا دیگران نیز به نوبه خود بتوانند از آن بهره ببرند.

5- تأثیر آرامش‌بخش مطالعه: کارشناسان و کسانی که حرف آن‌ها در مردم مؤثر است و به تأثیر آرامش‌بخش مطالعه معتقد هستند، باید این مهم را به مردم منتقل نمایند که آرامش و لذتی که از مطالعه یک اثر خوب به آدمی دست می‌دهد، در بسیاری از مواقع، مثل زمان‌های قبل از خواب، با هیچ پدیده هنری همچون فیلم دیدن یا امثال آن قابل مقایسه نیست.

6- ایجاد کافی نت در کتابخانه‌ها، که در واقع کتابخانه هم مکانی باشد برای دانشجویان، دانش‌آموزان و محققان به قصد تقویت دانش و به‌روز کردن اطلاعات خود، و هم پاتوقی باشد برای کسانی که صرفاً به قصد سرگرمی و گذراندن اوقات فراغت پا به آن مکان علمی - آموزشی می‌گذارند.

7- کتاب، همان‌طور که قبلاً برای ماندن و همه‌گیر شدن از سنگ نوشته به چرم نوشته و از چرم نوشته به کاغذ نوشته تبدیل شد، در حال حاضر نیز برای ماندگاری و اثرگذاری باید به شکل نوینی درآید و در قالبی برود که بتواند در کنار سایر رسانه‌ها به خدمت مشغول بماند. به نظر می‌رسد این شکل باید چیزی شبیه CD های امروزی باشد و بتوان ده‌ها کتاب را در آن ذخیره کرد و هر زمان که میل و علاقه بود، بر روی نمایشگرهای مخصوصی آن را خواند و لذت برد.

سخنان بزرگان

- * پلو تارک می گوید: ستون تمدن، کتاب و مطبوعات است.
- * توفیق الحکیم مصری می گوید: عظمت انسان در سه چیز است: ساده زیستن در زندگی، تواضع و ادب در برخورد و تعالی فکر و اندیشه، و تمام بزرگان چنین بوده اند.
- * محمد حجازی می گوید: یک سعدی با نوشتن کتابش بیش از هزاران لشکر از بیداد ستمگران جلوگیری کرده است.
- * ویکتور هوگو می گوید: خوشبخت کسی است که به یکی از این دو چیز دسترسی دارد، یا کتاب های خوب یا دوستان کتاب خوان.
- * مردی صاحب ذوق گفته است: شرط خواندن کتاب های خوب، نخواندن کتاب های بد است. چرا که زندگی بسیار کوتاه است و من تنها وقت خواندن کتاب خوب را دارم.
- * جلال آل احمد همه جا دفترچه و قلم به همراه داشت و هر جا ذهن خلاقش چیزی می یافت می نوشت.
- * هاینریش هاینه می گوید: هر جا آدم هست، آنجا کتاب هم باید باشد.
- * شکسپیر می گوید: کتاب، بزرگترین اختراع بشر است.
- * کارلایل می گوید: دانشگاه واقعی، جایی است که مجموعه ای از کتاب در آن جمع آوری شده باشد.
- * ری بردبری می گوید: برگ های کتاب به منزله بال هایی هستند که روح ما را به عالم روشنائی پرواز می دهند.
- * ولتر می گوید: بعد از کتب آسمانی، شریف ترین و مفیدترین کتاب ها بیوگرافی و شرح حال بزرگان است.

* فرانسیس بیکن می‌گوید: کتاب را باید در ردیف ضروریات زندگی به شمار آورد؛ زیرا روح ما مانند جسم‌مان گرسنه می‌شود و باید به وسیله مطالعه از گرسنگی رهایی یابد.

* شوپنهاور می‌گوید: کتاب‌خانه برای بسیاری از مردم حکم دارو را دارد.

* آندره موروا می‌گوید: بهتر از کتابخانه جایی نبود.

* شیلر آلمانی می‌گوید: برای مردم چیزی بگو که به دردشان بخورد نه آنکه خوششان بیاید.

* گارسیا مارکز می‌گوید: اگر نخوانم و ننویسم، سزاوار نانی که می‌خورم نیستم.

* نویسنده‌ای می‌گوید: فقط چهار ساعت می‌خواهم و بیست ساعت کار می‌کنم. پنجاه و یک کتاب نوشته‌ام و همه کتاب‌ها را ساعت سه بعد از نصف شب نوشته‌ام، هشتاد و یک سال دارم و سالم و قزاقم.

* سقراط می‌گوید: زندگی بدون مطالعه، ارزش زیستن ندارد.

اطاق بدون کتاب، مانند جسم بی‌روح و خانه بدون چراغ است.

کتابنامه

- قرآن کریم
- نشریه آفتاب 1400 مدارس هوشمند
- چرا کتاب بخوانیم، عبد اللطیف ناروئی
- ارزش مطالعه در زندگی، دکتر راغب سرجانی
- جوانان و ضعف مطالعه، آبتین امیری
- چرا کتاب نمی خوانیم، آکام امینی
- خواندن با تفکر، حمید آقایی